

گاهنامه ادبی دیازپام / سال چهارم

شماره دهم / تابستان ۱۴۰۰

از مدرنیسم تا پست مدرنیسم

صفحه ۱۰

شاکی خصوصی کارخانه سیگارسازی،

صفحه ۱۴

تقویم ادبی مردادماه

صفحه ۱۶

او نیامده ذق ذق کند...

صفحه ۶

جستاری درباره ابراهیم گلستان

فهرست مطالب

- ۳ سرمقاله: دیازپام ۱۰ خورانده‌ایم
- ۴ کتاب‌های برگزیده سایت نیویورک تایمز
- ۶ او نیامده ذق ذق کند
- ۸ با من به زبان دیگری حرف بزنید
- ۱۰ از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم
- ۱۴ شاکی خصوصی کارخانه سیگارسازی
- ۱۵ روز چپ‌دست‌ها مبارک!
- ۱۶ تقویم ادبی مردادماه
- ۱۸ نمایش رادیویی که به فاجعه تبدیل شد
- ۱۹ تبعید به بوف کور

اعضای هیئت تحریریه :

انسیه تکبیری - غزال خاکی - نعیمه داودخانی - زهرا راحمتی - مائده فرخی
سحر فرج دنیوی - سبحان قزلو - علی اصغر نجاری - محمدامین نقیبی

صاحب امتیاز : کانون شعر و ادب دانشگاه علوم پزشکی اراک

مدیر مسئول : سبحان قزلو

سردبیر : مائده فرخی

گرافیک و صفحه آرایی : سبحان قزلو

راه‌های ارتباطی



AUMS_POEM



AUMS_POEM



دیازپام ۱۰ خورانده ایم...

۱۰ شماره از گاهنامه‌ی ادبی دیازپام را تا به حال نوشتیم و نگاشتیم و داشتیم و برداشتیم را هم گذاشتیم برای آن‌ها که بخوانند و بخروش نگویند (یا بگویند): خب که چه!

به گمانم از زمانی که لغتی به اسم نشریه و مجله یا به قولِ فرنگی ترها JOURNAL و MAGAZINE اختراع شده است، جنینیِ نارسِ جبهه‌گیری هم از پدرِ ناخلفی به اسم سیاست در رَحْمش رشد کرده و بالیدن گرفته. طفلِ معصومی که گاه به خاطر کم‌تجربگی و سهل‌انگاری مادرش یا به هر دلیل دیگر، تا واپسین دم هم مهمان خون و جان و استخوان مادرش بوده و آخر سر هم سقطِ بدموقعش جان مادر را ستانده.

شاید مراقبت و مریض‌داری از همین مادران و طفلان باعث شده از کودکان نوپا و تازه‌جان گرفته (و گاها نیمه‌جان) دیگری مثل فرهنگ و هنر و ادبیات و حتی آگاهی غافل‌تر شویم. آن هم در بسترهای دانشگاهی که قرار بوده مناره‌ای باشند برای موزنین جامعه و آگاهشان نگه دارند تا به قول آیت الله بهشتی مبدا نماز امت قضا شود.

دیازپام را هم شاید به همین دلایل و از همین جهات فارغ از رنگ و لعاب جبهه‌گیری‌های سیاسی و تشکلات دانشجویی، کاشتیم و داشتیم و در انتظار چیدن ثمره اش ایستاده ایم. تا هنوز.

دیازپامی که در این ایام مختصر اگر دست حمایت دوستان را هم برای لحظاتی در کنار خود نداشته، زیر سایه‌ی نقدهای سازنده (و گاها غیر از آن) به هر زحمتی راه خود را رفته و به دنبال پرواز دادن پرنده‌ی آمال و اهداف خود بوده است.

ادبیات، مهم‌ترین بستر و حاصل‌خیزترین مرتع برای کشت و پرورش و شناساندنِ اندیشه، فکر، عقیده، سیاست و هنر بوده، هست و خواهد بود. نقلِ ما کمترین‌های این کارزارِ کهنه نیست، وام‌دارِ بزرگانِ این راهیم در این جملات.

چه بسیار فیلسوفان و اندیشمندان و سیاستمداران که زیر سایه همین ادبیات و به لطف جادوی لغت و کتابت توانسته‌اند حرف‌ها بزنند و جهان‌ها دگرگون کنند یا خلق.

ادبیات، مُسکن، التیام و التزام روحی اندیشه بوده، هست و خواهد بود. مفیدتر از دیازپام.

The New York Times

۴

ماهنامه ادبی دیزایم
شماره دوم / تابستان ۱۴۰۰

معرفی کتاب‌های داستانی برگزیده سایت نیویورک تایمز

انسیه تکبیری / هوشبری ۹۷

Deacon King Kong

نویسنده: جیمز مک براید
ژانر: تاریخی

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: مارچ ۲۰۲۰

سپتامبر ۱۹۶۹،
مامور کلیسای پیری
به حیاط پروژه
مسکونی‌ای در جنوب
بروکلین وارد
می‌شود، تفنگی از
جیبش بیرون می‌آورد
و جلوی همه مردم به
فروشنده مواد مخدر
پروژه شلیک می‌کند

A CHILDREN'S BIBLE

نویسنده: لیدیا میل
ژانر: ادبیات داستانی

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: می ۲۰۲۰

والدین روزهایشان را
با الکل، مواد و
رابطه جنسی
می‌گذرانند. بچه‌ها
حس می‌کنند نادیده
گرفته می‌شوند و
وقتی طوفان مخربی
می‌وزد، تصمیم
می‌گیرند فرار کنند و
کوچکترها را با خود
ببرند.

HOMELAND FLEGIES

نویسنده: آیاد اختر
ژانر: تاریخی

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: سپتامبر ۲۰۲۰

داستان کشوری که
به علت بدهی،
زندگی‌های بی‌شماری
داخلش خراب شده و
خداهای اقتصاد
حکومت می‌کنند.
کشوری که مهاجرها
با ترس زندگی
می‌کنند و زخم‌های
بهبود نیافته ملت،
سرتاسر جهان، ویرانی
به بار آورده است.

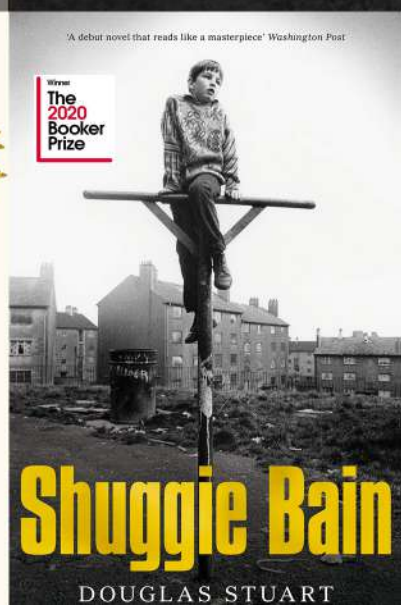
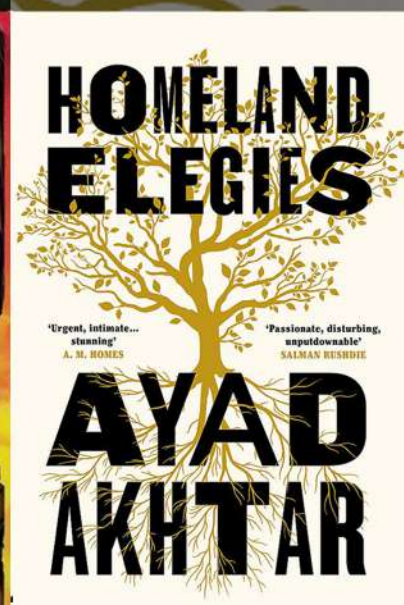
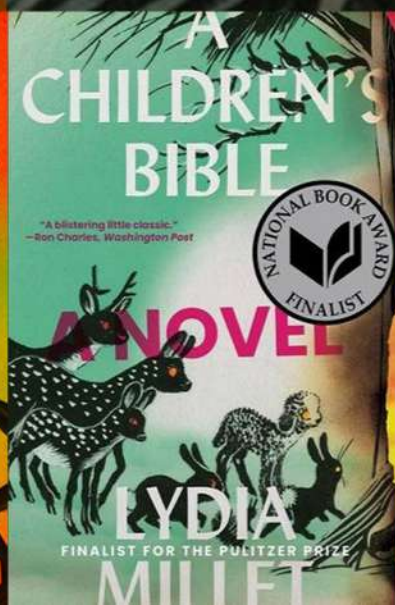
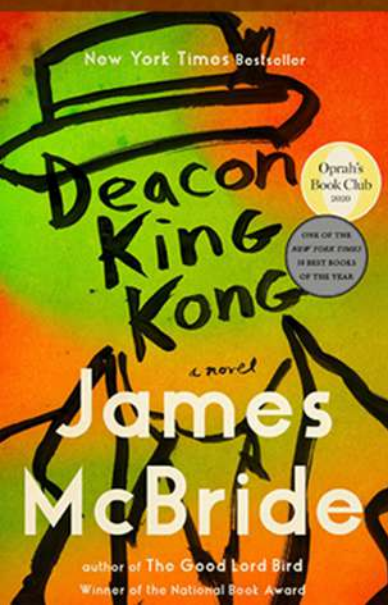
Shuggie Bain

نویسنده: داگلاس استورات
ژانر: تاریخی

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: فوریه ۲۰۲۰

بچه‌های اگنس بعد از
اینکه می‌فهمند او به
الکل اعتیاد پیدا کرده
از او فاصله می‌گیرند
و می‌گذارند شاگی،
پسر کوچکش،
مراقبش باشد. شاگی
سعی دارد پسر
نرمالی باشد اما رازی
دارد که همه به جز
خودش می‌توانند آن
را ببینند.



The New York Times



ماهنامه ادبی دیانام
شماره دهم / تابستان ۱۴۰۰

I HOLD A WOLF BY THE EARS

نویسنده: لارا وندن برگ
ژانر: وحشت

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: جولای ۲۰۲۰

مجموعه ای از داستان‌های کوتاه درباره زنانی که سعی می‌کنند به باقی‌مانده زندگی چنگ بزنند: عزادار، جدا شده و آسیب پذیر در دنیایی که فقط وقتی فرقتش را با دنیای ما می‌بینی که خیلی دقت کنی.

THE VANISHING HALF

نویسنده: بریت بنت
ژانر: تاریخی

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: ژوئن ۲۰۲۰

خواهرهای دوقلوی ویکس همیشه یکسان می‌مانند. اما بعد از فرارشان در سن ۱۶ سالگی متفاوت می‌شوند. سال‌ها بعد جوری که هرگز فکرش را هم نمی‌کردند، دوباره سر راه هم قرار می‌گیرند.

THE MIRROR & THE LIGHT

نویسنده: هیلاری منتل
ژانر: تاریخی

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: مارچ ۲۰۲۰

این کتاب مرگ آن بولین را در سال ۱۵۳۶ دنبال می‌کند. صعود کرامول را به اوج ثروت و قدرتش و بعد سقوطش از سوگلی سلطنت بودن و اعدام عمومی‌اش در برج هیل تنو در سال ۱۵۴۰ را مستند کرده است.

A BURNING

نویسنده: مگا ماجمدار
ژانر: معاصر

گروه سنی: بزرگسالان

انتشار: ژوئن ۲۰۲۰

ژیوان دختر مسلمانی که بخاطر نظر غیرمحتاطانه‌ای در فیسبوک، متهم به اجرای حمله تروریستی در قطار شده است. پی‌تی، مربی باشگاهی است که می‌خواهد وارد سیاست شود و ژیوان را راه صعود خود می‌بیند.

I HOLD A WOLF BY THE EARS

STORIES



LAURA VAN DEN BERG

AUTHOR OF THE THIRD HOTEL

THE VANISHING HALF

a novel

BRIT
BENNETT

New York Times bestselling author of *The Mothers*

THE NUMBER ONE BESTSELLER
Twice Winner of the Man Booker Prize

Hilary
Mantel

'A masterpiece'
GUARDIAN

The Mirror
& the Light

4th

"THIS IS A NOVEL OF NOW: A BEAUTIFULLY CONSTRUCTED LITERARY
THRILLER FROM A RARE AND POWERFUL NEW VOICE." —COLUM McCANN

A BURNING

A NOVEL

MEGHA MAJUMDAR

او نیامده ذق ذق کند

جستاری درباره ابراهیم گلستان

سبحان قزلو

پرتو درمانی ۹۶

جلال می‌رود به خوزستان که دوست قدیمی‌اش را ببیند و دوستش هم کاری برای جلال در شرکت نفت پیدا کند. شرکت نفتی که احترام قائل بود برای ابراهیم گلستان و کارهایش.

جور نشد. جلال در مسیر برگشت در اتوبوس شیراز، سیمین دانشور را می‌بیند در سال ۲۷. سال ۲۹ ازدواج کردند هرچند که خواهر سیمین دانشور ماجرا را کمی متفاوت‌تر تعریف کرده. ابراهیم گلستان حافظه خوبی دارد...

کار کردن توی شرکت نفت و ارتباط گرفتن گلستان با کنسرسیوم نفت، واسطه‌ای می‌شود برای فیلمسازی گلستان. اولین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران که در جشنواره‌های بین‌المللی حضور پیدا می‌کنند و جایزه می‌گیرند. فیلم‌هایی مثل یک آتش و موج، مرجان و خارا. که ابراهیم گلستان می‌سازد و فروغ فرخزاد آن‌ها را تدوین می‌کند.

فروغ فرخزادی که از همسرش جدا شده، مجموعه شعرهای دیوار، اسیر و عصیان رو منتشر کرده و قرار است ابراهیم گلستان، تولدی دیگر برای او باشد. آشنایی فروغ و گلستان تاثیر عجیبی روی هردو می‌گذارد. نگاه فروغ چه در شعر و چه در جهان‌بینی تغییر می‌کند و تبدیل به شخصیتی می‌شود که امروزه از او می‌شناسیم. زنی تنها در آستانه‌ی فصلی سرد...

فروغ فرخزاد ۲۴ بهمن ۱۳۴۵ سوار بر خودروی جیب ابراهیم گلستان دچار سانحه رانندگی شده و فوت می‌کند. مرحوم کاوه گلستان، عکاس، خبرنگار و پسر ابراهیم گلستان درباره فروغ و تاثیر او بر ابراهیم گلستان می‌گوید: "تا جایی که به من مربوط می‌شد. با مرگ فروغ، پدرم هم مرد.

یک بار که در قطار، تصادفاً صادق هدایت و بزرگ علوی را می‌بیند، می‌نشینند به گپ و گفت. علوی از ابراهیم گلستان دعوت می‌کند که سری به جمع کانون نویسندگان بزند. هدایت عصبانی می‌شود می‌گوید: نه آقا! این آمده اینجا یک کاری بکند! کارهایش را ول کند و بیاید پیش شما که می‌خواهید الکی در آن کانون نویسندگی تان ذق ذق کنید! نه آقا! نیای ها!

صادق هدایت یکی از سه نفر اولی بود که داستان‌های ابراهیم گلستان را خوانده بودند. دوست داشت گلستان را. تعریف می‌کند که وقتی هدایت عازم پاریس بود، با کمک همدیگر گشتند و و ناشری را پیدا کردند که حاضر شود آثار هدایت را چاپ کند. هدایت پول لازم داشت برای سفرش به پاریس. آخرین سفر. پاریسی که هدایت آنجا خودکشی کرد فروردین ماه سال ۱۳۳۰.

سیمین دانشور و جلال آل احمد نزدیک‌ترین دوستان ابراهیم گلستان، یا اگر با نام اصلی‌اش بگوییم، ابراهیم تقوی شیرازی بودند، پسر آیت‌اله سید محمد تقی تقوی شیرازی، از روحانیین روشنفکر و نماینده‌ی مجلس موسسان در سال ۱۳۰۴. در آن روزگاری که کمتر کسی شاید سواد خواندن و نوشتن را هم می‌دانست، پدر ابراهیم گلستان برای خودش روزنامه داشت و زبان فرانسه می‌خواند و اهل فکر بود. مثل دکتر دانشور، پدر سیمین دانشور که دوست خانوادگی‌شان بود. همبازی بچه‌گی بودند ابراهیم گلستان و سیمین دانشور.

البته سال‌ها گذشت تا دوباره در مسیر دوستی و آشنایی قرار گرفتند آن هم به واسطه‌ی دوست نزدیک‌تر از برادر ابراهیم گلستان یعنی جلال آل احمد که عاشق سیمین خانم شد.

کم کارتر شد ابراهیم گلستان. کم کار ولی گزیده کار. وسواسی که در خلق داستان‌ها و نقدهایش داشت، به فیلم‌سازی هم سرایت کرد. کمتر کار می‌ساخت و چندسالی قبل از انقلاب اسلامی هم به دلیل سانسور رژیم پهلوی و محیا نبودن شرایط برای فعالیت، ایران رو ترک کرد.

زندگی ادبی و فعالیت فرهنگی ابراهیم گلستان اما به همین جا ختم نمی‌شود. نثر فوق العاده منحصر به فرد و تکنیکی داستان‌های گلستان، تمثیل‌ها و ارجاعات سیاسی و اجتماعی قصه‌هایش برای سال‌ها، راهنمای نویسندگان نسل‌های بعدی بوده و هست. همان‌طور که نقدهای سینمایی‌اش همیشه راه‌گشا و کمک‌کننده‌ی جوان‌ترها بوده. مثل مسعود کیمیایی که با نقد فوق العاده‌ی ابراهیم گلستان، دلش از ساختن قیصر قرص شد و راهش را ادامه داد. یا امیر نادری که با تاکید و اصرار گلستان، فیلم تنگسیر را بر مبنای قصه‌ی صادق چوبک ساخت. قصه‌ای چوبک برای گلستان ساخته بود تا تبدیل به فیلم شود. قصه‌های زندگی ابراهیم گلستان شاید خیلی پُرشمارتر و البته جذاب‌تر از داستان‌های کوتاهش به نظر برسد. از ماجرای آشنا کردن نجف دریابندری با آثار همی‌نگوی گرفته تا اختلافش با حزب توده و جلال آل احمد و همسایگی با چوبک. قصه‌هایی که بیان شیوای خودش در مصاحبه‌ها و کتاب‌هایی مثل گفته‌ها و نوشتن با دوربین و نامه به سیمین روایت کرده است. کتاب‌هایی که کمتر از قصه‌هایش دچار محدودیت چاپ شده اند.

برخی صاحب‌نظران از گلستان به عنوان نیمای داستان نویسی یاد می‌کنند. به سبب تاثیر، نوگرایی و بینش بدیعی که خیلی قبل از گلشیری و معروفی و دیگران وارد نثر فارسی کرد.

گلستان این روزها در انگلستان ساکن است و دخترش لیلی گلستان، مادر مانی حقیقی، بازیگر و کارگردان سینما، از مترجمین به نام این روزهای نشر کتاب است.



گانه‌نامه ادبی دی‌زیام
شماره دهم / تابستان ۱۴۰۰

در باب معجزه‌ی کلمات

مائده فرخی هوشبری ۹۷

کلمه [ولی]، در فرهنگ لغت دهخدا از ادات رفع خیال و توهم است.

من دوستت دارم ولی... خیال نکن تا به همیشه.

به زندگی امیدوارم ولی... گمان نمی‌کنم وقتی پولک‌های ناامیدی بچسبد به تن و نورهای دنیا مثل بلور ریزی از چشم‌ها فرار کند، هم‌چنان جوانه امید در قلبم سبز باقی مانده‌باشد.

چه کلمه ترسناکی است این [ولی].

آدمی قلبش تندتر می‌زند هر بار که انتهای جمله‌ای می‌رسد به ولی، به اما و اگر، به از بین رفتن خیال پردازی‌ها.

ولی که بیاید، همه رویاها به وحشت می‌افتند که باز چه‌گونه دفن خواهند شد...

همه چیز ترسناک‌تر می‌شود و حتی کمی واقعی‌تر.

یک کلمه بلایی سر امیدوارانه‌ترین سرودها می‌آورد که تفنگ چخوف، آویزان بر دیوار زندگی آماده دوئل.

در دنیای کلمه، [ولی] همان آدمیزادی است که نمی‌تواند بی بهانه دوست بدارد،

همیشه پی‌چراها و چیستی‌ها است.

[ولی]، اما برای من پذیرش را معنی می‌کند یعنی بدان همه چیز روی یک طیف

خاکستری پیش رفته و خوب مطلق وجود ندارد، پس دل به جمله‌های قبل و بعد

[ولی] نبند.

یک جور زیبایی هست، پنهان میان پذیرش کلمات قبل و بعد از [ولی] و چقدر این

زیبایی فرق دارد با طرح‌های همیشگی و الگوهای از پیش تعیین شده‌ی ذهن.

در پذیرش این دو حالت روحی متناقض که با رابط در یک جمله همزمان می‌آیند،

چیزی هست شبیه جنون که تورا برای زیستن در هر شرایطی ایمن می‌کند.

ما جانمان را گرو می‌گذاریم و دیوار ترس اطرافمان را برمی‌داریم؛ چون احتمال
ثمربخش بودن این پذیرش همان اندازه است که احتمال آسیب زدنش و اگر برگردیم به عقب،
انگار آدم از همان ازل ترجیح داده خطر کند با گاز زدن به سیب ممنوعه و رفتن از باغ عدن.

هر چه اوضاع جهان نابه‌سامان‌تر، آدم‌ها بیش‌تر به جمله‌های آمیخته به نور و تفکر مثبت پناه می‌برند
و گرنه حال خوش مگر نیازی به یاد گرفتن دارد؟

آدمی که همه‌ی اسباب آرامشش فراهم باشد، نه غم نان باشد و نه غم رؤیا، حالش هم خوب است.
[ولی] وقتی از هر طرف خبر ناخوشایندی می‌رسد، جوری که انگار ابر و باد و مه خورشید و فلک
در کارند تا اندوه روی اندوه جمع شود،

آدم مجبور می‌شود به راه‌های مصنوعی پناه ببرد و هی خودش را وفق دهد،
هی عادت کند و عادت کند و از دل هر کدام یک مزیت و نکته مثبت بیرون بکشد تا از پا نیفتد.
خودمان هم خبر نداریم که چقدر شکل عوض کرده‌ایم در برخورد با این همه اتفاق اغلب ناخوب.
چقدر اندوه‌دان روح‌مان همیشه سر ریز و پُر بوده و سنگینی‌اش شکل شانه‌هایمان را عوض کرده
و به مرور درک کردیم که غم‌شنو و نجات دهنده مرده است.

زندگانی بهتر است عاشقی کردن باشد در همین لحظه و خیالت نباشد فردا،
ماه بعد و سال بعد چه می‌شود. زندگی شاید قرار نباشد هیچوقت آسان‌تر شود و حال دوران شاید
دائماً همین باشد.

ادبیات ما پر شده‌است از حرف‌های زیبا ولی توخالی که نمی‌شود برایشان مرد.
نیازمند ادبیاتی بکر و عاری از ولی و اما و اگر هستیم که در خیابان از زبان دوره گردهای هرجایی
بیرون نیامده، دروغش بر صورت کسی تف نشده و علیه عشق و امید قیام نکرده‌باشد.
و سوگند به آن کلمات، آن گاه که آدمی را در اندوه می‌میراند و در لبخند به دنیا
می‌آورد باز.



اندیشه‌های تأثیر گذار بر نوگرایی عبارتند از انسان محوری، ماده گرایی و خردگرایی.

اصول و قواعد مدرنیسم

۱. مدرنیسم به تغییرات فرهنگی و زیبایی شناختی در هنر و ادبیات پس از جنگ جهانی اول اطلاق می‌شود و پاسخی است به حس درهم ریختگی اجتماعی زمان خود.
۲. مدرنیسم به گسستی تمام عیار و رادیکال از سنت‌های هنری و فرهنگی غرب و خلق شکل‌های نوین بیان هنری اطلاق می‌شود.
۳. متفکران این دوره، منطق گرایی، قطعیت دنیای قدیم در حوزه‌ی ساختار اجتماع، مذهب و اخلاقیات انسان را به تمسخر گرفته و نقد می‌کنند.
۴. در مدرنیسم نگاهی نسبی به زمان و مکان شکل می‌گیرد؛ زمان خطی نیست و مکان مفهومی وابسته به نقطه‌ای ثابت به حساب نمی‌آید و متحرک است.
۵. درک غایی یا مطلق، تنها زمانی ممکن است که تعداد بی‌شماری از دیدگاه‌های مختلف را به یکدیگر متصل کنیم تا تصویر کاملی حاصل شود.

نوگرایی یا نوین‌گرایی، که از آن به نام‌های تجددگرایی یا مدرنیسم نیز یاد می‌شود، به معنی گرایش فکری و رفتاری به پدیده‌های فرهنگی نو و پیشرفته‌تر و کنار گذاشتن برخی از سنت‌های قدیمی است.

نوگرایی فرایند گسترش خردگرایی در جامعه و تحقق آن در بستر مدرنیته است.

مدرنیسم اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در فرانسه و دیگر کشورها آغاز شد.

نوگرایی یا مدرنیسم، گستره‌ای از جنبش‌های فرهنگی است که ریشه در تغییرات جامعه غربی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دارد را توصیف می‌کند. این واژه مجموعه‌ای از جنبش‌های هنری، معماری، موسیقی، ادبیات و هنرهای کاربردی را که در این دوره زمانی رخ داده‌اند، دربردارد.

مدرنیسم یا نوگرایی، جریانی فکری است به معنای استفاده‌ی انسان از دانش، فناوری و توان تجربی خود برای تولید، بهبود و تغییر محیط. پیدایش مدرنیسم در غرب را می‌توان واکنشی ضد سنت و دین مسیحیت دانست.



۱۴. مدرنیست‌ها از سنت‌ها و تکنیک‌های ادبی راجح فاصله می‌گیرند.

۱۵. در هنر مدرنیست، قضاوت فردی بر قضاوت اجتماعی برتری دارد.

۱۶. جنگ جهانی اول سبب شد که مدرنیسم، انقطاع و گسستی تاریخی را باور کند. پایان جهان یکباره نمایان شد و بی رحمی جنگ که یادآور مصیبت‌های مشابه طی تاریخ بشر بود، تصویری دایره‌وار در برابر شکل خطی تاریخ را پیش روی هنرمند مدرنیست نهاد.

۱۷. مدرنیست‌ها به بازخوانی اساطیر می‌پردازند؛ در نظر این نویسندگان قرار گرفتن اسطوره‌ها در بستر جهان مدرن، محدودیت‌ها و حقارت‌های دوره‌ی معاصر را به خوبی به نمایش می‌گذارد.

مولفه‌های نوگرایی

تجدد یا مدرنیته به یک شیوه‌ی زندگی و نهادهای اجتماعی و سیاسی مرتبط با این شیوه‌ی زندگی اشاره دارد. تجدد‌های نقاط گوناگون جهان جانمایه‌ای یکسان دارند و تلاش می‌کنند صغارت را از انسان بگیرند: صغارت انسان در برابر فاجعه، انسان در برابر تاریخ، انسان در برابر قانون؛ و می‌خواهد تمام این حقوق فردی را به انسان بدهد

مدرنیسم‌های مشهور

رمان خشم و هیاهو - فاکتر
رمان در جست و جوی زمان از دست‌رفته - پروست

۶. مدرنیسم منجر به انتزاعی سازی می‌شود؛ زمانی که انسان رابطه‌ی قابل درکی با جهان ندارد، آن را انتزاعی و غیر طبیعی نشان می‌دهد.

۷. هنرمند مدرنیست از واقع گرایی رئالیسم و ناتورالیسم و انسان‌گرایی رمانتیک دور می‌شود.

۸. مدرنیست‌ها به زمان ذهنی اهمیت می‌دادند.

۹. در نظر مدرنیست‌ها ایمان و ارزش‌های سنتی باید به فراموشی سپرده‌شود.

۱۰. با توجه به تقدس لحظه و تجربه‌ی آدمی، داستان کوتاه در دوره‌ی مدرنیسم به اوج خود رسید.

۱۱. پیچیدگی‌های خاص ادب مدرنیستی تنها برای خوانندگان نخبه‌ی جامعه قابل درک است و این نوع ادبیات عامه پسند نیست.

۱۲. برای مدرنیست‌ها تصویر شاعرانه در بیان ارتباط زیبایی شناختی از اهمیت بسیاری برخوردار است.

۱۳. اساس فلسفه در دوران نوگرایی، انسان است. حقیقت دیگر الهامی نیست و از آسمان نمی‌آید؛ بلکه اکتسابی است و بر روی زمین.

مزاح تأکید دارند. هنر و اندیشه‌ی پست‌مدرن بر اعمال غیرارادی و خودآگاهی، گسستگی، ناپیوستگی (به ویژه در ساختارهای روایتی)، ابهام و تقارن تمایل دارد و بر موضوعات منهدم، تنزل یافته و غیرانسانی تأکید می‌کند.

اصول و قواعد پست مدرنیسم:

- ۱_ پست مدرنیسم سلسله مراتب مرکزی با اصول ساخت یافته‌ی مشخص ندارد و دربرگیرنده‌ی پیچیدگی مفرط، تناقض، ابهام، تنوع و عدم انسجام درونی است.
- ۲_ عدم قطعیت، دوسوگرایی و ابهام پست مدرنیسم امکان به‌چنگ آوردن سرنوشت، به منظور خلق آینده را فراهم می‌آورد.
- ۳_ اندیشه‌ی پست‌مدرن خواستار آن است که مدرنیته در پی برآوردن وعده‌های خود باشد، حتی اگر عقلانیت در آن تحریف شده‌است.
- ۴_ تردید ادامه دار نسبت به ایده‌ها و اعتقادات
- ۵_ جامعه‌ی پست مدرن تحت سلطه‌ی رسانه‌های جمعی است و در آن هیچ نوع اصالتی دیده نمی‌شود و همه چیز فقط رونوشتی از وقایع گذشته است.

پست مدرنیسم به مخالفت برخاستن با مدرنیسم نیست، بلکه برخی از انگاره‌های آن را دنبال می‌کند. پست مدرنیسم به سیر تحولات گسترده‌ای در نگرش انتقادی، فلسفه، معماری، هنر، ادبیات و فرهنگ تلقی می‌شود که از بطن نوگرایی و در واکنش به آن، یا به عنوان جانشین آن آمد.

در سال ۱۹۴۹ بعد از جنگ جهانی دوم این پدیده آغاز شد.

پسامدرنیسم، مدرنیته‌ای دیگر است که به مدرنیته با نگاهی نو و دیگر نظر می‌افکند. پسامدرنیسم سنت نفی‌کننده و انتقادی مدرنیته را در مورد خود مدرنیته به کار می‌گیرد.

این اصطلاح، اولین بار در سال ۱۹۴۹، برای ابراز ناخرسندی در قبال معماری نوگرا به کار برده شد و منجر به ایجاد نهضت معماری پسانوگرا شد. پست‌مدرنیته در یک تغییر کلی از تولید به مصرف به عنوان مجموعه مرکزی فرایندهای اجتماعی و اقتصادی ساخت اجتماعی مداخله می‌کند. به این معنا، مفهوم پست مدرنیته تا حدی مشابه جامعه‌فراصنعتی است.

تاریخچه‌ی پست مدرنیسم

پست‌مدرنیست‌ها مرز میان شکل‌های بالا و پایین هنر و تمایزهای ژانری را رد می‌کنند و بر نقیض بودنش و



۴. نفی توسعه و پیشرفت: بر این اساس، پست‌مدرنیسم به انکار مقوله‌ای با عنوان پیشرفت و تکامل می‌پردازد. در این دیدگاه هرچه هست تغییر است و نمی‌توان از مقولاتی چون پیشرفت یا پسرفت صحبت کرد آن هم به این دلیل که ملاکی برای قضاوت این‌که یک حالت از حالت دیگر ارجح یا پست‌تر است وجود ندارد.

۵. نفی جهان همگن: پست‌مدرنیسم جهان را عالمی ناهمگن و نامتجانس بر ساخته و از تأویل‌ها و تعبیرهایی می‌داند که در آن معرفت و حقیقت اموری امکانی هستند و از این رو قطعیت ناپذیرند.

۶. مرکزیت‌زدایی از جامعه: یعنی ساختارهای اجتماعی طی فرایندهایی که در مکان و فضا صورت می‌گیرد ساخته می‌شود و به گونه‌ای علی‌تعیین نمی‌شوند. هیچ نهاد مرکزی، مثلاً دولت، و هیچ معنایی، مثلاً حقیقت، وجود ندارد که جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در موضعی ثابت حول آن سازمان یابند.

پست‌مدرنیست‌های مشهور

رمان صید قزل آلا در آمریکا - براتیگان

رمان سلاخ خانیهی شماره‌ی پنج - ونه‌گات

رمان آونگ فوکو - اکو

رمان شهرهای ناپیدا - کالوینو

۶. از تکنیک‌های مطرح در ادبیات پست‌مدرنیستی می‌توان به تکنیک فراداستان اشاره کرد. در این نوع داستان‌ها، نویسنده با الهام از تکنیک فاصله‌گذاری داستان، نگارش خود داستان را در متن می‌آورد.

۷. در شعر پست‌مدرنیستی شکست روایت، تصاویر اسکیزوفرنیک، معناگریزی، بازی زبانی و اسطوره‌زدایی به وفور دیده می‌شود. نظریه‌پردازان برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های پست‌مدرنیسم را به این شرح بیان می‌کنند:

۱. بی‌اعتباری فرا روایت: لیوتار پست‌مدرنیسم را در رد فرا روایت‌ها، که ادعای عام و فراگیر بودن دارند، خلاصه می‌کند. او می‌گوید: «بیایید به جنگ جامعیت‌ها برویم و تفاوت‌ها را فعال کنیم.»

۲. تکثرگرایی و نفی وحدت: از دید لیوتار، دانش پست‌مدرن با نفی فرا روایت‌ها و تأکید بر ناهمگنی و بازی‌های زبانی و گفتمان‌های علمی، حساسیت ما را به تفاوت‌ها پرورش می‌دهد و توان ما را در تحمل تفاوت‌ها تقویت می‌کند.

۳. مخالفت با تسلط فرهنگ غالب: پست‌مدرنیسم بر اساس اعتقاد به کثرت‌گرایی بر چندگانگی فرهنگ‌ها، قومیت، نژاد، جنسیت و حتی خرد تأکید می‌ورزد.

شاکی خصوصی کارخانه سیگار سازی،

به خاطر یک عمر سیگار بدون فیلتر کشیدن و نمردن!

۱۴

گازنامه ادبی دیانام
شماره دهم / تابستان ۱۴۰۰

محمد امین نقیبی پرتودرمانی ۹۵

اگر کتاب سلاخ‌خانه شماره پنج را خوانده باشید، کورت ونه‌گات را می‌شناسید. نویسنده‌ای آلمانی تبار و زاده آمریکا، که در جنگ جهانی دوم به ارتش آمریکا پیوست و علیه آلمانی‌ها جنگید و به اسارت در آمد و در کتاب مذکور خاطرات دوران اسارتش را نوشت.

بیماری روانی و میل به خودکشی در خانواده ونه‌گات ارثی بود. چنان که مادرش با خودکشی در روز مادر از دنیا رفت، و خود او نیز در ۶۲ سالگی دست به خودکشی زد ولی شانس با او یار نبود و زنده ماند. اما او امیدش را از دست نداد و به گفته خودش دست به دامان یک روش باکلاس خودکشی شد: خودکشی با سیگار!

او سه سال قبل از مرگش گفته بود:

دوزاده سال بیشتر نداشتم که سیگار را شروع کردم. هیچ وقت هم غیر از پال مال بدون فیلتر سیگاری را آتش به آتش دود نکرده‌ام. سال‌های سال است این شرکت دخانیات براون و ویلیام سون درست روی همین پاکت قول داده است که مرا بکشد. اما من حالا هشتاد و دو سالم است. واقعاً که دستشان درد نکند، ای حقه بازهای پست با این قولتان!

توصیه‌هایی از کورت ونه‌گات، برای نوشتن داستان کوتاه:

- ۱- زمان را طوری استفاده کن که خواننده احساس نکند زمانش تلف شده.
- ۲- به خواننده حداقل یک کاراکتر بده تا از او حمایت کند.
- ۳- هر کاراکتر باید یک چیزی بخواهد حتی اگر آن چیز فقط یک لیوان آب باشد.
- ۴- هر جمله باید یکی از این دو کار را انجام دهد: کاراکتر را آشکار سازد یا کار را پیش ببرد.
- ۵- تا حد ممکن از جایی نزدیک به پایان شروع کن.
- ۶- یک سادیست باش! مهم نیست که کاراکتر اصلی چقدر دوست داشتنی و معصوم باشد، کاری کن که اتفاقات وحشتناکی برایش بیفتد تا خواننده بفهمد او از چه ساخته شده.
- ۷- برای راضی کردن تنها یک نفر بنویس. اگر پنجره را باز کنی و بخواهی به کل دنیا عشق بدهی داستان سینه پهلو می‌کند.
- ۸- به خواننده در کوتاه‌ترین زمان ممکن بیشترین اطلاعات را بده، خواننده باید چنان درک کاملی از اتفاقاتی که می‌افتد داشته باشد که خودش بتواند داستان را تمام کند.



روز چپ دست‌ها مبارک!

علی اصغر نجاری علوم آزمایشگاهی ۹۶

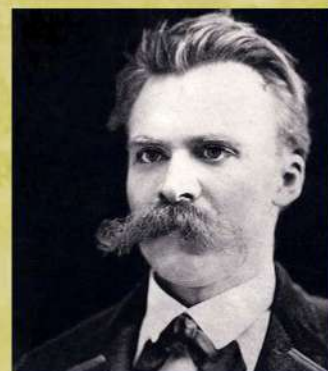
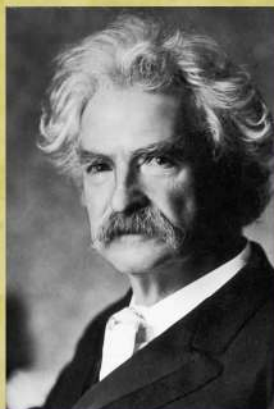
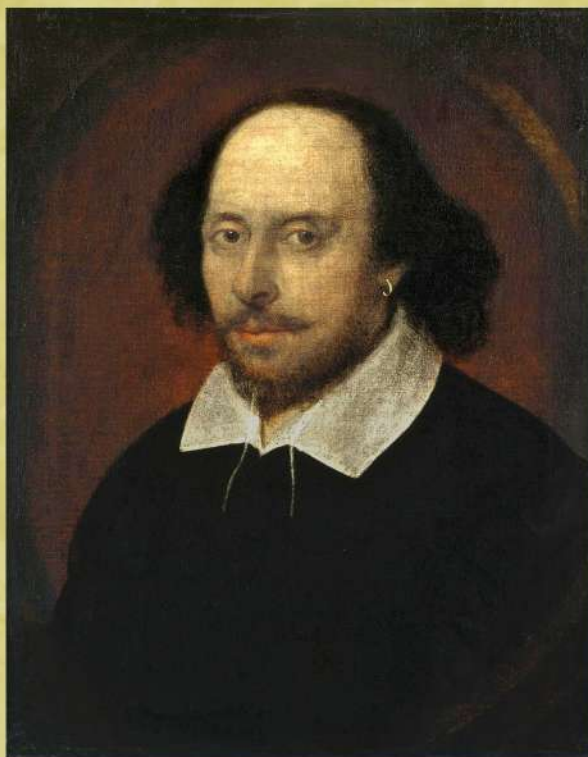
۱۳ آگوست برابر با ۲۲ مردادماه، در دنیا به عنوان روز جهانی چپ دست‌ها

شناخته می‌شود. نویسندگان و هنرمندان زیادی در دنیا قلم را در دست چپ

می‌گرفتند و دست به خلق آثار ادبی و فرهنگی می‌زدند. نویسندگانی مثل فرانسیس

کافکا، فردریش نیچه، مارك تواین، ویلیام شکسپیر و افرادی مثل پابلو پیکاسو یا

بتهوون و داوینچی هم در این لیستِ دوست‌داشتنی هستند.



HAPPY

LEFT-HANDERS

DAY

تقویم ادبی مرداد ماه

نگاهی کوتاه به اتفاقات ادبی ماهی که گذشت

غزال خاکی پرستری مهر ۹۸

۲

سال مرگ احمد شاملو

تولد الکساندر دوما (پدر): رمان نویس و نمایش نامه نویس فرانسوی صاحب اثر سه تفنگدار

جین وپستر: رمان نویس و نمایش نامه نویس آمریکایی صاحب اثر بابا لنگ دراز

مهدی غبرایی: مترجم ایرانی کتاب های بادبادک باز، کافکا در کرانه، کوری، زن در ریگ روان

۵

الکساندر دوما (پسر): نویسنده و نمایش نامه نویس فرانسوی و صاحب اثر مادام کاملیا

۷

جشن امردادگان: امردادگان هفتمین روز از ماه امرداد است. این جشن، یکی از جشن های دوازده گانه سالیانه ایرانی در روزهای هم نام شدن روز و ماه است. جشن امردادگان در دوران باستان و عصر ساسانی و پس از آن با مراسم و آدابی در دشت و فضای باز انجام می شد.

تولد مسعود کیمیایی: فیلم ساز، رمان نویس و شاعر ایرانی

۸

پاتریک مودیانو: نویسنده و فیلم نامه نویس فرانسوی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۴

کریستوفر نولان: کارگردان، فیلم نامه نویس و تهیه کننده بریتانیایی - آمریکایی

۱۰

دهم مرداد ماه چهلمین روز از فصل تابستان است که ایرانیان این روز را جشن می گرفتند و آن را جشن چله تابستان یا چله تموز می نامیدند. چله تموز حدوداً از اول تیرماه شروع می شود و تا دهم مرداد ماه ادامه دارد. معمولاً شروع این چهل روز با طولانی ترین روز سال آغاز می شود.

محمود دولت آبادی: نویسنده، نمایش نامه نویس و فیلم نامه نویس ایرانی

۱۳

کنوت هامسون (KNUT HAMSON): نویسنده نروژی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۲۰

جوجو مویز: نویسنده و روزنامه نگار انگلیسی صاحب آثار من پیش از تو، پس از تو، هنوز هم من،

یک بعلاوه یک، میوه خارجی، دختری که رهایش کردی

۱۷

در تقویم رسمی به عنوان روز خبرنگار نامیده شده است.

۲۰

خوزه سیلوا: روان‌شناس و نویسنده آمریکایی صاحب اثر **دستان شفاعت**

۲۱

استفانو بنی (STEFANO BENNI): نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار ایتالیایی صاحب نمایش‌نامه **پینوکیا**
خاسینتو بناوتته (JACINTO BENAVENTE): نمایش‌نامه‌نویس اسپانیایی و برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۹۲

۲۲

سیامک گلشیری: نویسنده و مترجم ایرانی
آلفرد هیچکاک: کارگردان و نویسنده بریتانیایی

۲۳

رنه گوسینی (RENÉ GOSCINNY): خالق کتاب‌های مصور، نویسنده و ویراستار **لوک خوش‌شانس**،
مجموعه **نیکولا کوچولو**

جان گالزورثی: رمان‌نویس و نمایش‌نامه‌نویس انگلیسی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۳۲

۲۵

چارلز بوکوفسکی: نویسنده و شاعر آمریکایی

۲۶

وی‌اس‌نایپل (VIDIADHAR NAIPAUL): نویسنده هندی‌تبار بریتانیایی برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۰۱
هرتامولر (HERTA MÜLLER): نویسنده، مقاله‌نویس رومانیایی‌تبار آلمانی و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۲۰۰۹

۲۸

در تقویم بسیاری از کشورهای جهان بعنوان **روز جهانی عکاسی** نام‌گذاری شده است.

مسعود بهنود: نویسنده، روزنامه‌نگار و فیلمساز ایرانی

که به فاجعه

تبدیل شد!

گزارشی از اجرای یک نمایش در سال ۱۹۳۸ زهرا رحمتی هوشبری ۹۷

داخلی به مردم، گزارش‌های زنده‌ی خیالی از حمله پنج ماشین مریخی به نیویورک و غیره ادامه می‌یابد. سپس نمایشنامه قطع می‌شود و گوینده رادیو CBS به شنوندگان اعلام می‌کند که دارند به یک نمایشنامه رادیویی گوش می‌دهند.

اما مشکل اینجا بود که اجرای بخش اول نمایش آن‌قدر طبیعی بوده که خیلی از شنونده‌ها از شدت ترس فرار کرده و بقیه‌ی نمایش را نمی‌شنوند. تعدادی با پلیس تماس می‌گیرند و با ترس می‌پرسند که باید چه کاری انجام دهند؛ تعدادی سروصورتشان را با حوله خیس می‌پوشانند و به خیابان‌ها می‌روند، یک کارگر تمام دارایی‌اش را خرج می‌کند تا از کشور فرار کند، در آلاباما مردم در کلیسا تجمع می‌کنند و برای نابودی موجودات مریخی دعا می‌کنند و...

بعد از این اتفاق بسیاری از شبکه‌ی CBS شکایت می‌کنند. این رویداد در آمریکا تلفاتی نداشت اما یک سال بعد رادیوی اکوادور نمایشی با همین مضمون پخش کرده که دوباره باعث ترس و همهمه‌ی مردم شد، اما زمانی که مردم متوجه شدند این خبر تنها یک نمایش رادیویی بوده، به ایستگاه رادیویی حمله کردند و آنجا را به آتش کشیدند. در پی این اتفاق شش نفر از بازیگران این نمایش کشته شدند!

این ماجرا یکی از عجیب‌ترین اتفاقات تاریخ رادیو و نشانه تأثیرات داستان‌ها و نمایش‌های رادیویی است.

ماجرا از این قرار است که در شامگاه یکشنبه ۳۰ اکتبر ۱۹۳۸ از رادیوی CBS یک نمایشنامه‌خوانی پخش می‌شود. بیشتر شنوندگان ترجیح می‌دادند به رادیوی دیگری گوش کنند که در آن یک خیمه‌شب‌باز مشهور به اتفاق عروسک‌های خود یک برنامه تفریحی را اجرا می‌کرد. ولی درست پنج دقیقه پس از شروع این برنامه رادیویی (جنگ دنیاها)، برنامه عروسکی به پایان رسید و یک خواننده بدصدا شروع به خواندن کرد. مردم برای فرار از آن صدا، شبکه رادیو را عوض می‌کنند و به این نمایش گوش می‌دهند، بدون اینکه توضیح نمایش را در پنج دقیقه اول، شنیده باشند.

نمایش با پیش‌بینی وضع هوا آغاز می‌شود، بعد گوینده عنوان می‌کند که این برنامه به طور زنده از یکی از هتل‌های نیویورک پخش می‌شود و سپس موسیقی پخش می‌کنند، اما ناگهان موسیقی قطع می‌شود و گوینده با صدایی که از شدت اضطراب می‌لرزید اطلاعیه‌ای درباره حمله ساکنان کره مریخ به زمین و فرود آن‌ها در ایالت نیوجرسی آمریکا می‌خواند. بقیه برنامه به همین شیوه ادامه می‌یابد و گزارش‌هایی از کاربرد گاز شیمیایی و نوعی اشعه سوزان توسط مریخی‌ها، اعلام حکومت‌نظامی در ایالت نیوجرسی، نابودی نیروهای نظامی توسط ماشین‌های جنگی مریخی، توصیه‌های وزیر

تبعید به بوف کور: درباره صادق هدایت

سحرفرج دنیوی بهداشت حرفه ای ۹۵



هدایت در سال ۱۳۱۳ به دلیل فعالیت‌های ادبی ممنوع القلم شد. در سال ۱۳۱۵ شین پرتو از دوستان قدیم هدایت که در آن زمان کارمند کنسولگری ایران در بمبئی بود به تهران آمد و به او پیشنهاد کرد که به هندوستان برود و هدایت قبول کرد.

هدایت با پیش نویس کتاب بوف کور و یک ماشین تحریر به هند رفت و وقتی در بمبئی دچار مشکلات مالی شد، آن را کامل کرد و با استتسیل به صورت پلی‌کپی در پنجاه نسخه چاپ کرده و آن را برای دوستان خود در سایر نقاط جهان فرستاد. در این نسخه‌های پلی‌کپی کتاب بوف کور نوشته بود که چاپ این اثر در ایران ممنوع است.

هدایت یکی از این نسخه‌ها را برای محمدعلی جمال زاده که ساکن برلین بود فرستاد و از او خواست در پخش کار کمکش کند. جمال‌زاده رمان را بسیار پسندید و برای شرح آن، بوف کور را وارد رمان دارالمجانین خودش کرد و شخصیتی الهام گرفته از هدایت به نام هدایت علی خان ساخت.

جمال زاده با این ایده به یکی از نخستین چهره پردازی‌ها از شخصیت صادق هدایت دست زد و آنقدر از هدایت و بوف کور نوشت که رمانش فرامتنی از کتاب هدایت شد. صادق هدایت در واکنش به استفاده‌ی جمال زاده از این شخصیت در رمان گفته بود: «توی دارالمجانین تا دلش خواسته، با من شیطنت کرده، اما پرسوناژی ناخوشایند ساخته.»

اتفاق بسیار جالب و عجیب، سرنوشت هدایت علی خان دارالمجانین است. در آخر کار او آثارش را آتش می‌زند و با خوردن قارچ سمی خودکشی می‌کند! یک دهه بعد از نوشتن این صحنه، هدایت عملاً همان رفتار را تکرار کرد.

جمال زاده درباره‌ی علت نوشتن دارالمجانین، در نامه‌ای به همایون کتیرایی از مهمانی‌ای نوشته که هدایت را دعوت نکرده بودند. وقتی علت را پرسید، مهمانان می‌نالند که آدم بی‌سوادی ست و دستور زبان نمی‌داند! جمال‌زاده ناراحت شد و نوشت: «کم کم این فکر در من قوت گرفت که او را به هر ترتیبی شده به مردم ایران معرفی نمایم و بفهمانم که چطور به مقام شناخت او نرسیده‌اند...» با این حال برخی دیگر بر این باورند که جمال زاده با نوشتن دارالمجانین، در صدد تخریب صادق هدایت بوده است.



چیزهایی هست که هرچه هم که
نخواهی شان ببینی باز می آیند.
باز سنگین و بی رحم می آیند و خود
را روی تو می افکنند و گرد تو را
می گیرند و توی چشم و جانت
می روند و همه ی وجودت را
پر می کنند و چنان پُر می کنند
و آن را می ربایند که دیگر تو نمی مانی،
که دیگر تو نمادهای که آن ها را
بخواهی یا نخواهی.
آن ها تو را از خودت بیرون رانده اند
و جایت را گرفته اند و خود تو شده اند.
دیگر تو نیستی که درد را حس کنی.
تو
خود درد شده ای..